

گفتار پنجم: وحدت رهن و تعدد مرتهن یا بالعکس در مال مرهونه مشترک

۱. یک مال را می توان نزد دو مرتهن گذاشت ؛ اما در صورتی که هر دو مرتهن توافق بر این مطلب کرده باشند. اگر قصد دو مرتهن از قبول این امر، فسخ رهن اول بوده باشد، مسلماً فقط رهن دوم به قوه خود باقی می ماند.

۲. در صورتی که یکی از طلبکارها رهن را فسخ نماید، نسبت به بدهی خود حقی از رهن نخواهد داشت. مثال: فرض کنید خسرو به وحید و ناصر بدهکار است و با توافق وحید و ناصر خانه خود را نزد این دو رهن می گذارد. این کار شرعاً صحیح است ؛ یعنی هر کدام از وحید و ناصر می توانند طبق توافق انجام شده طلب خود را از خسرو، در صورت پرداخت نکردن بدهی اش، با فروش خانه تأمین کنند. اما اگر وحید قبول کرد که رهن نزد او فسخ شود و خانه فقط به عنوان رهن بابت طلب ناصر از خسرو باشد، دیگر وحید حق فروش خانه را بابت وصول طلب خود ندارد.

۳. اگر بدهکاران بیش از یک نفر باشند و همگی مشترکاً مالی را رهن گذاشته باشند، اگر هر کدام دین خود را ادا نمایند، رهن او از گرویی خارج می شود.

مثال: فرض کنید دو نفر مشترکاً مالک خانه ای هستند و این افراد به وحید بدهکارند و هر دو این خانه را گرو نزد وحید قرار می دهند. اما فقط یکی از این افراد بدهی خود را می پردازد لذا فقط این فرد سهم مشاعش از خانه، از رهن خارج می شود ؛ یعنی سهم نفر بدهکار دیگر، به عنوان رهن نزد وحید باقی می ماند.

۴. اگر طلبکاران بیش از یک نفر بوده و همگی مشترکاً مالی از بدهکار، به عنوان رهن در اختیار داشته باشند (در یک عقد رهن):

الف) طلب هر کدام با دیگران مساوی است □ هریک از طلبکاران (مرتهنین) به نسبت مساوی از مال رهن حق دارند.

ب) طلب هر کدام با دیگری متفاوت است □ هریک به نسبت طلبشان، از مال رهن حق دارند. مثال: خسرو به وحید ۱۰۰ هزار تومان و به ناصر ۳۰۰ هزار تومان بدهکار است. موتورسیکلت خود را به عنوان رهن نزد وحید و ناصر قرار می دهد. اگر خسرو بدهی خود را به یکی از این دو نفر یا هر دو نپردازد سهم هر یک از این طلب کاران از موتور به نسبت طلبی که دارند می باشد.

۵. اگر شخصی که بدهکار است، دو بدهی دارد که برای یکی از آنها چیزی را نزد طلبکار رهن گذاشته است، اما برای بدهی دوم رهنی قرار نداده است، اگر هر دو بدهی یکی است و به اندازه یکی از آنها به طلبکار بپردازد، اما نیت طلبی که در ازای آن رهن گذاشته را نکند، رهن آزاد نمی شود.

مثال: خسرو در آبان و بهمن، هریک، صد هزار تومان از وحید قرض گرفته است. اما بابت قرض اول اتومبیل خود را به عنوان رهن نزد وحید گذاشته است. در ماه اسفند ۱۰۰ هزار تومان به وحید می دهد بدون آنکه نیت او ادای قرض اول باشد، در این حالت اتومبیل وی هنوز در رهن قرار دارد.

نکته

حکم تعدد طلبکار یا بدهکار برای مواردی است که از اول تعدد باشد ؛ نه اینکه بعداً به دلیل موت راهن یا مرتهن، ورثه متعدد جایگزین آنان شوند.